

مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه)

دکتر مهدی طالب^۱، دکتر زهره نجفی اصل^۲ و ذوالفقار احمدی اوندی^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۴

چکیده:

نزاع دسته‌جمعی یکی از مسائل و پدیده‌های قدیمی است که کماکان در اجتماعات سنتی و مبتنی بر طایفه‌مداری به قوت خود باقیمانده است. منظور از نزاع دسته‌جمعی، درگیری یا دعوایی است که معمولاً با انگیزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حداقل بین سه نفر رخ می‌دهد و خساراتی جانی و مالی به بار می‌آورد. هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه‌ی کیفی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان ایذه است در این مطالعه‌ی کیفی، ۲۴ نفر که به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده بودند وارد مطالعه شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مداخله‌ی دولت در جامعه‌ی عشایری و اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی و مهم‌تر از آن قانون ملی شدن مراتع و جنگل‌ها در دهه‌ی چهل، موجب اسکان خودجوش عشایر و بالتبع آن شیوع نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه گردیده است. از سویی دیگر این یافته‌ها نشان می‌دهند که تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، پیوندهای خویشاوندی، مسائل ناموسی، عمومی شدن خشونت و نزاع، نخبگان نزاع، اختلافات ملکی، بیکاری، رقابت نخبگان، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، آگاهی از محرومیت، تجربه‌ی عینی نزاع (مشاهده و مشارکت) و مسائل و خاطرات ناخوشایند گذشته‌ی بستر و زمینه‌ی نزاع دسته‌جمعی را مهیا می‌کنند.

مفاهیم کلیدی: نزاع دسته‌جمعی، شهرستان ایذه، اختلافات ملکی، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، خاطرات و مسائل ناخوشایند گذشته

^۱ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران taleb@ut.ac.ir

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران najafiasl@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات توسعه‌ی اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده‌ی مسئول)
zahmadiavendi@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

مسائل اجتماعی جامعه پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های آنها می‌شوند. مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند به‌طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آنها وامی‌دارد (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲).

از جمله مسائل و آسیب‌های اجتماعی که دارای اهمیت و اولویت در مطالعه، پژوهش و اقدام اجتماعی قرار دارد، مسئله‌ی نزاع‌های دسته‌جمعی است. نزاع دسته‌جمعی در مقایسه با نزاع فردی، نوعی پیشرفت تکاملی است. منظور از نزاع دسته‌جمعی درگیری بدنی یا رفتار پرخاشگرایانه و ستیزه‌جویانه‌ی جمعی است که حداقل شامل سه نفر است و از این منظر که در چارچوب و محدوده روابط متقابل اجتماعی تجلی و بروز می‌یابند می‌توان آن را به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی تعریف نمود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۱). نزاع‌های دسته‌جمعی موجب درگیری‌ها و زد و خورد‌های طولانی مدت، آسیب‌های جسمی و روحی، قتل، تسریع خشونت و پرخاشگری در تعاملات اجتماعی افراد، فزونی سطح اضطراب و تنش افراد جامعه، گسست و افتراق بین گروه‌های اجتماعی و افزایش ناامنی در حوزه‌ی عمومی جامعه می‌شوند. از این‌رو در جایی که رواج دارد مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی است. بروز و ظهور نزاع دسته‌جمعی در انسان مستلزم انگیزه‌های رفتاری مشترکی است که خود معلول و حاصل زندگی گروهی می‌باشد. در مناطق روستایی و عشایری، نزاع‌های زیادی که عمدتاً مبنای قبیله‌ای دارند، بر سر مراتع، اراضی کشاورزی و آبیاری مزارع مشاهده می‌شود. در واقع، وجود تنوع قومی و فرهنگی متفاوت در بین عشایر و روستائیان، پدیده‌ی خشونت و نزاع را به امری بدیهی و عادی بدل نموده است. در این نزاع‌ها، وفاداری‌ها و نیازهای گروه بر احساسات فردی اعضای آن الویت دارند و هر گاه افراد و گروه‌های درگیر، ارتباط بسیار نزدیکی با هم داشته باشند، بر شدت نزاع افزوده می‌شود. این پدیده در شهرستان ایذه که دارای طوایف گوناگون می‌باشد همواره به‌عنوان پدیده‌ای مسئله‌ساز مطرح بوده است. پدیده نزاع‌های دسته‌جمعی در این منطقه که طوایف آن به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پایبندی

کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. در این رابطه، رابرت ال ایرس^۱ جرم و خشونت (همانند نزاع دسته‌جمعی، قتل، ضرب و جرح و تخریب) را مانعی برای رشد و توسعه و عاملی جهت افزایش فقر می‌داند و معتقد است که جرم و خشونت به چهار طریق این کار را انجام می‌دهد: ۱- کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی؛ ۲- فرسایش توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی؛ ۳- تخریب سرمایه‌ی اجتماعی و ۴- بی‌اثر کردن توانایی‌های دولت (رابرت ال. ایرس، ۱۹۹۸: ۷-۸). از این‌رو، توصیف و تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی از لحاظ اجتماعی حائز اهمیت است. با ریشه‌یابی این معضل می‌توان زمینه‌ی لازم را برای برنامه‌ریزی و کنترل آن فراهم کرد. بنابراین این تحقیق از ضرورت و اولویت خاصی برخوردار است، زیرا اولاً؛ نتایج آن، ضمن آن‌که بر آگاهی مردم می‌افزاید، می‌تواند سبب اعتلای فکری مناطق مزبور گردد و به تغییر این رفتار نامطلوب بینجامد. ثانیاً؛ نتیجه‌ی تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های دولتی کمک کند و همگان از نتایج آن بهره‌مند شوند (پورافکاری، ۱۳۷۸: ۱۶۷).

هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان ایذه است و برای انجام این پژوهش طوایف دینارانی باب^۲ به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب شده‌اند چرا که بیشتر درگیری‌ها و نزاع‌های گذشته و حال شهرستان در میان این باب به وقوع پیوسته است. دینارانی باب از ده طایفه تشکیل شده است که عبارتند از؛ سادات سلطان ابراهیم، طایفه‌ی بویری، طایفه‌ی سرقلی، طایفه‌ی اورک، طایفه‌ی کورکور، طایفه‌ی گوروی، طایفه‌ی نوروزی، طایفه‌ی سهید، طایفه‌ی شالو و طایفه‌ی عالی محمودی. در این رابطه، سؤال اصلی تحقیق این است که نزاع دسته‌جمعی چرا رخ می‌دهد؟ به عبارت دیگر می‌خواستیم بدانیم در شهرستان ایذه، چه عوامل اجتماعی - فرهنگی باعث می‌شود نزاع دسته‌جمعی رخ دهد؟ برای پاسخگویی به این سؤال با ۲۴ نفر از مطلعین و افراد درگیر در نزاع‌های جمعی بصورت فردی و گروهی مصاحبه‌هایی انجام گرفت و با اتخاذ روش تحلیل تماتیک عوامل مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی بصورت مقولات اساسی استخراج و مورد تفسیر قرار گرفتند.

^۱ Robert L. Ayres

^۲ باب اصطلاحی است که وحدت جغرافیایی طوایف اقماری را با وحدت سیاسی توأم می‌نماید و یادآور دورانی است که قدرت‌های محلی نسبت به قدرت مرکزی قوی‌تر بودند. باب به صورت پسوند معمولاً به آخر اسم اضافه می‌شود و مفهوم پیوستگی و همبستگی طایفه‌ای را می‌رساند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام (شهرستان‌های ایوان، ایلام و شیروان و چرداول) توسط نظری (۱۳۸۶)، انجام گرفته و یافته‌های آن حاکی است که بین بی‌سوادی، عدم اشتغال، عدم آشنایی به قوانین اسلامی، حفظ سنن و آداب قبیله‌ای و ضعف مالی و غرورهای بی‌جای و نزاع دسته‌جمعی رابطه وجود دارد (نظری، ۱۳۸۶).

تحقیقی با عنوان ریشه‌یابی نزاع‌های جمعی (مورد مطالعه: روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی) توسط ناییبی و جسور خواجه (۱۳۸۸)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهند که مبارزه برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (ناییبی و جسور خواجه، ۱۳۸۸).

پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهر اهواز) توسط حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که بین متغیرهای محرومیت نسبی، احساس آنومی، خاستگاه خانوادگی (شهری - روستایی)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تعلق به جامعه‌ی قبیله‌ای، میزان کنترل اجتماعی و سطح تحصیلات با گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۵-۱۹۱).

پژوهشی با عنوان مطالعه نزاع‌های دسته‌جمعی خویشاوندمحور (مورد مطالعه: محله‌ی ۱۲ و منطقه‌ی ۲۱ تهران) توسط خزایی (۱۳۹۱)، انجام گرفته و یافته‌های پژوهش نشان داد که در این میان نخبگان نزاع و وجود پیوندهای خویشاوند محور تنگ دامنه و بازتولید روابط اجتماعی منبعت از ازدواج‌های درون‌گروهی نقش تعیین‌کننده‌ای در نزاع‌های جمعی دارد (خزایی، ۱۳۹۱).

تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده توسط شریعتی و دیگران (۱۳۹۱)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی با گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه‌ی معناداری دارند (شریعتی و دیگران، ۱۳۹۱).

تحقیقی با عنوان گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویر احمد، توسط میرفردی و صادقی‌نیا (۱۳۹۱)، انجام گرفته و نشان می‌دهد که میان اختلافات ملکی -

زراعی، مسائل ناموسی، اختلافات خانوادگی، مسائل مالی و شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی با نزاع دسته‌جمعی رابطه وجود دارد (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱).

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع (درگیری‌های دسته‌جمعی روستایی "مطالعه‌ی موردی: روستای پریخان از توابع شهرستان مشکین‌شهر، استان اردبیل" توسط عشایری (۱۳۹۱)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی طایفه‌گرایی، باورهای طایفه‌ای، مسائل ناموسی، اختلافات ملکی، رقابت نخبگان بر نزاع دسته‌جمعی مؤثر بوده‌اند (عشایری، ۱۳۹۱).

تحقیقی با عنوان مطالعه‌ی ریشه‌ها و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه: جامعه‌ی روستایی امام‌زاده عبدالله علیه‌السلام توابع شهرستان شهرستان هندیجان) توسط درویشی (۱۳۹۴)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد محدودیت منابع، نادیده گرفتن عرف، طایفه‌گرایی، ضعف سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، تحریک جوانان توسط ریش‌سفیدها، ناآگاهی اجتماعی بر نزاع دسته‌جمعی مؤثر بوده‌اند (درویشی، ۱۳۹۴).

ب) تحقیقات خارجی

سازمان توسعه‌ی سنایی^۱ (۲۰۰۸)، در طرحی با عنوان "تعامل سازوکارهای حل اختلافات رسمی و غیر رسمی در افغانستان" که یک نظرسنجی (تحقیق پیمایشی) از مردم بوده است، به ترتیب میزان وقوع نزاع بر حسب مورد را نشان می‌دهد: مراتع ملی (۹۰ درصد)، آب (۷۸ درصد)، همسایه (۷۰ درصد)، ارث (۶۲ درصد)، چراگاه دام (۵۰ درصد)، مسائل خانوادگی ازدواج اجباری، هزینه‌ی عروسی (۳۴ درصد)، نزاع و درگیری بین جوانان (۲۲ درصد)، توزیع نامناسب یارانه (۱۲ درصد). سازوکار حل نزاع در بین مردم و قبایل: شورای محلی (۶۰ درصد)، شورای صلح (۵۰ درصد)، ریش‌سفیدان (۴۵ درصد)، ملاها (۳۸ درصد)، دادگاه‌ها (۳۰ درصد)، پلیس و فرماندار (۲۰ درصد).

برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل^۲ (۲۰۱۰)، در طرحی با عنوان "محدودیت‌های محیطی و نزاع در مناطق و روستاهای آفریقا" در مورد دلایل و عوامل مؤثر بر وقوع نزاع و قتل‌های ناشی از آن در بین کوچ‌نشین‌ها و سایر مناطق به موارد زیر اشاره کرده است: تقاضای زیاد برای منابع طبیعی و کمبود منابع، فرسایش منابع طبیعی و کاهش پتانسیل زمین، فرصت نابرابر و محدودیت در دسترسی به منابع موجود، افزایش خطرات

^۱ Sanayee Development Organisation

^۲ UNDP

محیطی ناشی از فشار زیاد به منابع، نزاع و درگیری بر سر آب شرب، نزاع عشایر بر سر مراتع، چرای دام و دزدی احشام.

عبدلا و الهادری^۱ (۲۰۱۱)، در تحقیق با عنوان "حق چرای عشایر و طولانی‌تر شدن مدت نزاع در شرق سودان" نشان می‌دهند بین عدم احساس امنیت مالکیت زمین و نزاع جمعی رابطه وجود دارد.

پژوهشی با عنوان "نزاع زمین به‌عنوان مانع توسعه‌ی جامعه" توسط آگاند آلبرت آیوریندی^۲ (۲۰۱۱)، صورت گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کیفی انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد زمین عامل اصلی درگیری و نزاع است و بعد از آن کنترل و مدیریت مؤثر بر زمین عامل ثانویه نزاع بوده است.

پژوهشی تحت عنوان "مکانیسم‌های سنتی حل نزاع" در منطقه‌ی گروناوا در شمال تانزانیا توسط ماریا امانوئل و تامپه ندیموا^۳ (۲۰۱۳)، بصورت کمی - کیفی انجام گرفته که یافته‌های کمی حاکی از آن بود ۷۵ درصد از پاسخگویان کمبود زمین برای چراگاه و کشت، کمیابی آب و دام و روابط خانوادگی عامل اصلی نزاع در جامعه‌ی گروناوا بوده است. حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان نقش مهمی برای مکانیسم‌های سنتی در حل و فصل اختلافات قائل هستند در حالی که ۵۵ درصد از پاسخگویان مکانیسم‌های مدرن را در حل و فصل اختلافات ترجیح می‌دهند.

تحقیقی با "عنوان بررسی تعارض روستایی: آداب و رسوم، نمادها و مراسم بزرگداشت" در منطقه‌ی مویل در ایرلند شمالی توسط کاترین ساید^۴ (۲۰۱۴)، انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وجود آداب و رسوم مختلف و نمادها و فرقه‌گرایی عامل درگیری و نزاع در روستای مویل است؛ همچنین تغییرات اداری به تصویب رسیده در خصوص ساخت و ساز، تنش‌ها و نزاع‌ها را در آینده دو چندان می‌کند. پژوهشی با عنوان تعامل سازوکارهای حل اختلافات رسمی و غیر رسمی در افغانستان توسط سازمان سنایی توسعه^۵ (۲۰۰۸)، انجام گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که بین مراتع ملی، آب، همسایه، ارث، چراگاه دام، مسائل خانوادگی "ازدواج اجباری، هزینیه‌ی عروسی"، نزاع و درگیری جوانان، و نزاع‌های دسته‌جمعی رابطه وجود دارد.

¹ Yasin Abdalla and Eltayeb Elhadary

² Abegunde Albert Ayorinde

³ Maria Emanuel & Tumpe Ndimbwa

⁴ Katherine Side

⁵ sanayee development organisation

پژوهشی با عنوان "شبانای و نزاع در کشورهای شاخ آفریقا" با رویکرد ترکیبی (کمی - کیفی) که توسط موتو^۱ (۱۹۹۵)، انجام گرفته نشان می‌دهد بین عدم دسترسی به زمین مناسب برای کشت و کشاورزی، دامداری و شبانای و نبود آب کافی، عدم حمایت دولت، ضعف نظام سنتی و نزاع جمعی رابطه وجود دارد.

مروری بر ادبیات نظری موضوع

نظریه محرومیت نسبی^۲

تئوری محرومیت نسبی برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی، سیاسی و قومی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. مقوله یا مفهوم محوری این نظریه "محرومیت" است. محرومیت همان‌گونه که از معنای لغوی آن نیز مستفاد می‌شود به‌طور ضمنی ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است. شرایطی که در آن برخی از شهروندان از امکانات و امتیازات بهره‌مندی‌های بیشتری نسبت به برخی دیگر دارند و گروه نابرخوردار در نسبت‌سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه برخوردار به احساسی دست می‌یابند که محرومیت نامیده می‌شود. بر اساس این دیدگاه، شورش و بحران‌های سیاسی هنگامی صورت می‌گیرد که معترضین به این نتیجه برسند که بنا به دلایل و عواملی از امکانات موجود و یا آنچه مورد انتظارشان است کمتر از آنچه حقشان می‌باشد، دریافت می‌کنند. لذا، برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. نکته‌ی مهم در این نظریه این است که شرایط بد مادی یا محرومیت مطلق مستقیماً به اعتراض و شورش منتهی نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که ذکر شد، واکنش ذهنی یا روانی در قبال این شرایط است که عامل تعیین کننده محسوب می‌شوند (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸).

نظریه ناکامی - ستیزه‌جویی دولارد^۳

از دیدگاه نظریه‌ی ستیز، تضادهای قومی و نژادی ناشی از رقابت میان گروه‌های مختلف بر سر منابع کمیاب مانند؛ ثروت، قدرت و مقام می‌باشد. گروهی که در این رقابت و تضاد پیروز می‌شود گروه غالب و سایر مدعیان گروه‌های اقلیت نامیده می‌شوند. برای اینکه

^۱ Mkutu

^۲ relative deprivation theory

^۳ Dulard

تضادها و نابرابری‌های قومی و نژادی گسترش یابد، سه شرط اساسی باید وجود داشته باشد: ۱- گروه‌های متمایز: باید دو یا چند گروه اجتماعی متمایز وجود داشته باشد و فقط در صورت آگاهی از تفاوت‌های موجود بین گروهی و احساس تعلق به یک گروه خاص است که تضاد به وجود می‌آید؛ ۲- رقابت بر سر منابع: باید بین گروه‌ها بر سر منابع با ارزش مانند؛ قدرت، ثروت و منزلت رقابت وجود داشته باشد. در چنین موقعیتی اعضای یک گروه تمایل می‌یابند که از طریق ممانعت اعضای گروه‌های دیگر از دسترسی کامل به این منابع، برای حفظ منابع خود اقدام نماید؛ ۳- نابرابری قدرت: گروه‌ها از نظر در اختیار داشتن منابع قدرت باید نابرابر باشند به طوری که یک گروه بتواند به خوبی ادعای خود را در مورد منابع کمیاب با تحمیل هزینه به گروه یا گروه‌های دیگر به اثبات رساند، در این مرحله است که نابرابری در جامعه شکل می‌گیرد. از این مرحله به بعد وقایع و حوادث، جریانی نسبتاً قابل پیش‌بینی خواهد بود. گروه غالب، باورهای تحقیق‌آمیزی درباره‌ی پستی منزلت گروه یا گروه‌های اقلیت به وجود خواهد آورد و این باورها را نیز برای اثبات حقانیت و ارائه‌ی برتری خود مورد استفاده قرار خواهد داد. این گروه تلاش گروه اقلیت برای اثبات منافع خود را به‌عنوان تهدیدی علیه منافع خویش محسوب خواهد کرد و در نتیجه فشار بیشتری را علیه گروه اقلیت اعمال خواهد کرد (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰).

نظریه جرج ولد^۱

ولد متأثر از جرج زیمل درباره‌ی کشمکش گروهی کوشیده تا نظریه‌ی زیمل را در مورد شناخت و تبیین بزهکاری در وضعیت‌هایی که در آن نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارند، بکار برد. ولد کوشیده تا برخی از جنبه‌های اساسی زندگی اجتماعی را که با کشمکش و ستیز مشخص می‌گردند و کمتر مورد توجه جامعه‌شناسان نظم اجتماعی قرار دارند، نشان دهد. ولد معتقد است که انسان‌ها اساساً انسان‌هایی گروهی هستند که زندگی‌شان محصول پیوندهای گروهی آن‌ها هست. گروه‌ها بر اساس منافع و نیازهای اعضای شکل می‌گیرند. وقتی منافع و نیازهای گروه‌ها با هم در تضاد باشند، روابط میان گروه‌ها، رقابتی و تضاد برانگیز می‌شود و تضاد میان گروه‌ها شکل می‌گیرد. تضاد میان منافع گروهی بیشتر خود را در سیاست‌های قانون‌گذاران نشان می‌دهد. قانون‌گذاری‌ها معمولاً منطبق با منافع گروهی و متضاد با منافع گروهی دیگر است. گروهی که قوانین برخلاف

^۱ Velled

منافع آن‌هاست و قدرت دفاع قانونی را از منافع خود را ندارند به احتمال زیاد قوانین را نقض و رفتار مجرمانه در پیش می‌گیرند (قربانی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۶).

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد مورد مطالعه در این پژوهش «کیفی» است. یکی از روش‌های مهم تحقیق در رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی به عنوان یک روش تحقیق عبارت است از بررسی دقیق، انتقادی و منظم پدیده‌ها. هدف بررسی پدیدارشناختی، تبیین ساختار ذات تجربه‌ی زیسته از یک پدیده در جستجوی وحدت معنایی است که باعث شناسایی ذات آن پدیده و توصیف درست آن از طریق تجربه‌ی زیسته‌ی روزمره می‌شود (محمدپور (الف)، ۱۳۹۲: ۲۷۰). در روش پدیدارشناسی، پژوهشگر تجربیات زیسته‌ی افراد درباره‌ی پدیده‌ای را آن‌چنان که توسط - مشارکت‌کنندگان توصیف می‌شود - توصیف می‌کند. این توصیف منتهی می‌شود به ماهیت تجربیات چندین فرد که همگی پدیده را تجربه کرده‌اند؛ سؤال این است که آیا انتخاب روش پدیدارشناسی برای مطالعه‌ی نزاع انتخاب درستی بوده است؟ در مطالعه‌ی نزاع و چگونگی رخ دادن و درگیر شدن افراد در آن و آشنا بودن افراد به سابقه‌ی همدیگر حافظه‌ی جمعی نقش مهمی دارد. بررسی نقش نزاع در بستر زندگی روزمره و تجربه‌ی زیسته‌ی جای هیچ‌چون و چرایی باقی نمی‌گذارد که می‌توان برای شناخت آن از روش پدیدارشناسی استفاده کرد. در واقع می‌توان به تجربه‌ی نزاع در قالب بیان خاطرات، به بررسی ریشه‌ها و تحولات نزاع پرداخت (درویشی، ۱۳۹۴: ۶۱).

برای یافتن داده‌های مقتضی به تکنیک‌های گردآوری اطلاعات همچون، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و عمیق که بصورت فردی و گروهی اجرا گردید، تمسک جست‌ایم. در این مطالعه مصاحبه‌ها مشتمل است بر مصاحبه با معمرین، مطلعین و افراد درگیر در نزاع که بنابر تجربه‌ی زیسته‌ی خود، اطلاعاتی در مورد پدیده‌ی مورد بررسی در اختیار محقق قرار داده‌اند. برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از شیوه‌ی تحلیل موضوعی^۱ یا تماتیک است. تحلیل موضوعی یا تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در تعریفی دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و

^۱ thematic analysis

تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله‌ی اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها بدست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها^۱ از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور (ب)، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷).

جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، طوایف دینارانی باب از شاخه‌ی هفت‌لنگ بختیاری است. شاخه‌ی دینارانی باب، بر مبنای اتحاد طوایفی است، که منشأهای گوناگون داشته و بواسطه‌ی محل سکونتشان در کوه دیناران، بدین نام خوانده می‌شوند. دینارانی باب، از ده طایفه تشکیل شده‌است؛ که عبارتند از: سادات، بویری، سرقلی، اورک، گورووی، سهدی، نوروزی، کورکور، شالو و عالی محمودی. تعداد ۲۴ نفر که بصورت نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده بودند وارد مطالعه شدند. داده‌ها توسط ۱۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق (۸ مرد و ۴ زن) و ۱۲ نفر دیگر بصورت گروهی مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه با این نمونه‌ها یا در اصطلاح کیفی مطلعین، تا آنجا ادامه یافت که محقق به مرحله‌ی اشباع نظری دست یافتند. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار، به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (محمدپور و بهمنی، ۱۳۸۹: ۵۳).

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به بررسی و تحلیل مقولات اجتماعی - فرهنگی استخراج شده از مصاحبه‌ها که بیشترین تأثیر را بر نزاع‌های دسته‌جمعی منطقه‌ی مورد مطالعه داشته‌اند، پرداخته می‌شود.

فروپاشی ساختار سنتی مدیریت

یکی از عواملی که در ارتباط مستقیم با سیر صعودی نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه قرار دارد از بین رفتن ساختار سنتی مدیریت جامعه‌ی عشایری است که متعاقب دخالت دولت در زندگی عشایر بوجود آمد. در خصوص ساختار سنتی مدیریت در پیش از انقلاب

^۱ themes

می‌توان گفت که دخالت دولت در میان زندگی عشایر، ارکان سنتی اداره‌ی امور عمومی را از هم پاشید و اقداماتی مانند اسکان اجباری عشایر و انجام اصلاحات ارضی نه تنها موجب بهبود زندگی عشایری نگردید بلکه منجر به از هم گسیختگی نظام سنتی عشایری گردید. ایجاد چنین وضعی که با سیاست دولت انطباق داشت همچنان تا به امروز ادامه دارد و دیگر یک سازمان رهبری متمرکزی در ایل وجود ندارد. بعد از انقلاب هم بیشتر شاهد حضور مردم در دادرها حتی برای حل اختلافات جزئی هستیم. در واقع به دلیل فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، روستاییان و عشایر به منظور حل اختلافات محلی، ملکی، طایفه‌ای و حتی خانوادگی خود به مراجع قضایی رجوع می‌کنند. اموری که در گذشته‌ای نه چندان دور و در محل و توسط خود عوامل محلی حل و فصل می‌شد. به عبارت دیگر با کنار گذاشتن معتمدان که با تکیه بر سن و تجربه و نفوذ، مشکلات اهالی را به سادگی و در مدت کوتاهی حل و فصل می‌نمودند، امروزه مراکز انتظامی و قضایی شهرستان مملو از عشایر و روستاییانی است که به مجرد هر گونه اختلافی به آنها رجوع می‌نمایند. از آنجا که سازمان‌های مسئول دولتی هم آهنگ با ایجاد این نظام جدید گسترش نیافته‌اند و خصوصیات این مردم برای طرح و تنظیم برنامه‌ها و اصول قابل قبول و قابل اجرا در چنین جامعه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است، هم اکنون نوعی از هم گسیختگی به چشم می‌خورد که زائیده نبودن کادر رهبری منطبق با نیاز و خصوصیات جامعه‌ی مزبور است. با توجه به فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، اکثر عشایر به زندگی یکجانشینی و نیمه یکجانشینی روی آوردند.

در حال حاضر، شوراها مهم‌ترین نهادهایی هستند که می‌توانند بر امور عمومی شهرها و روستاها تأثیرات قابل توجهی داشته باشند. از این روی، مردم احساس می‌کنند که هر مشکل و نقصی در روستا و شهر وجود داشته باشد، وظیفه‌ی رسیدگی به آن بر عهده‌ی شوراهاست. اما زمانی که می‌بینند که شوراها در مواجهه با مشکلات از ضمانت اجرایی و قدرت کافی برخوردار نیستند، نسبت به آنها احساس دلسردی می‌کنند و این دیدگاه در درازمدت پایگاه و منزلت اولیه‌ی شوراها را متزلزل کرده است و مقبولیت آن را در نزد ساکنین منطقه کاهش داده است. وجود دسته‌بندی‌های طایفه‌ای در بین اعضای شوراها روستایی و شهری منجر به سوگیری‌های به نفع طایفه‌ی خودی شده است و در بسیاری از مواقع بذر کینه و نفاق را می‌پروراند.

"شورای حل اختلاف یه چیزه الکی هست ... فقط روند حل اختلاف رو به تعویق می‌ندازه و هدفش اینه که طرفین دعوا رو سرد کنه تا رضایت بدن و مانع مراجعه‌ی اونا به دادگاه بشه ... " (مرد ۳۴ ساله).

در گذشته وقتی کدخدا یا ریش‌سفیدی حرفی می‌زد همه مطیع بودند و حرفشون رو گوش می‌کردند و تمام مسائل و مشکلات با دخالت و واسطه‌گری اونا ختم بخیر می‌شد ... اما الان اینطوری نیست الان برای حل یه اختلاف جزئی باید ماه‌ها بدوی ... (مرد ۶۷ ساله). در واقع فروپاشی در مدیریت سنتی (سنت کدخدامنشی و ریش‌سفیدی) از یک‌سو و عدم کارکرد مناسب نهادهای مدیریتی رسمی، مانند شوراها از سوی دیگر، منجر به سردرگمی و تشویش ساکنین منطقه شده، به نحوی که افراد را در راه چاره‌جویی برای حل «مشکلات و مسائل جدید» خود وادار به اتخاذ برخی از کنش و واکنش‌های نامطلوب سنتی (نزاع و یا هر گونه اقدام نابهنجار) می‌کند، در صورتی که حل و فصل آنها نیازمند «روش‌های جدید» است. این یافته، یافته‌های حسین‌زاده (۱۳۹۰)، در مورد متغیر احساس انومی و میزان کنترل اجتماعی و نقش آن در نزاع جمعی را تأیید می‌کند.

اختلافات ملکی

اختلافات ملکی یکی از علل اساسی وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه‌ی مورد مطالعه می‌باشد. در واقع، با اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی و قانون ملی شدن مراتع و جنگل‌ها در دهه‌ی ۱۳۴۰، مالکیت مراتع عشایر که بصورت مشاع و دسته‌جمعی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، توسط دولت نادیده گرفته شد به گونه‌ای که با به رسمیت شناختن حق استفاده از مراتع گرمسیری در چارچوب صدور پروانه‌ی چرای دام برای عده‌ای از کوچنده‌ها، با محرومیت عده‌ای دیگر همراه بود و این امر زمینه‌ساز شیوع نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه گردید. گذشته از سازوکار اصلاحات ارضی و اهداف سیاسی و اجتماعی شاه، این اقدام دارای اثرات و تبعات زیادی بوده که تا زمان حال ادامه داشته است. صدور نسق زراعی در قریه‌ها برای خرده‌مالکان و رویه تقسیم اراضی عمدتاً مشکلاتی را به همراه داشت که از دلایل آن می‌توان به نبود ابزار اندازه‌گیری مساحت و یکنواخت نبودن وضعیت اراضی، واحدهای تقسیم اراضی متغیر، تغییرات در اقلیم در گذر زمان، کوچ روستائینان به شهرها و تداخل مالکان دیگر در سهم اراضی در نبود مالکان دیگر، انتقال نسق‌های زراعی به وارث بدون افزار و تفکیک قانونمند و ... اشاره نمود. مالکیت مشاع کوچ‌نشینان بر سر مراتع از سال ۱۳۴۱ در نتیجه‌ی دخالت مستقیم دولت از

بین رفت؛ در نتیجه اشغال مراتع کوچ‌نشینان توسط یک‌جانشینان و تبدیل اراضی مرتعی به اراضی زراعی، دامنه‌ی فعالیت کوچ‌نشینان بسیار محدود شد. در واقع کشمکش اصلی عشایر با دولت، سامان عرفی عشایر با قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع بوده که هنوز هم عشایر احساس می‌کنند دولت به حقوق آن‌ها توجهی نکرده است.

در حال حاضر ابهامات و نارویشی‌های اساسی در مالکیت مراتع وجود دارد؛ تعارضات آشکاری میان حقوق عرفی و مرسوم عشایر و قانون به چشم می‌خورد. در مناطق مورد اختلاف، که عمدتاً مناطق بیلاقی عشایر دینارانی باب می‌باشند، در این رابطه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در مورد اختلافات بر سر مالکیت و بهره‌برداری مراتع گردید، یافته‌ها حاکی از این بودند که بیشتر شکایات مربوط به دامداری است که پروانه‌ی چرای موقت دارند. این دسته به دلایل گوناگون به وضعیت خود معترض بوده‌اند. نمونه‌ی این اختلاف‌ها، زمانی است که یکی از دامداران عشایری به حریم مرتع دیگری وارد می‌شود که از جانب او تجاوز به حدود خود تلقی می‌شود. عشایر در این منطقه، برای خود در حد خانوار، محدوده‌ی خاصی قائلند و به دیگران حق استفاده و تجاوز به آن را نمی‌دهند. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که مرز مراتع که در واقع باعث شناخت ملکیت دامداران می‌شود و صدور پروانه چرای موقت نیز نتوانسته است آن‌طور که خود عشایر باور دارند، داور و قضاوت کند. از این‌رو، نادیده گرفتن حقوق عرفی و مرسوم عشایر، زمینه را برای ادامه‌ی درگیری و تعارض میان عشایر و همچنین عشایر و دستگاه اجرائی فراهم آورده است. این اختلافات بر سر بهره‌برداری از مراتع، گاهی چنان حیاتی می‌شود که کشمکش میان عشایر به درگیری‌های خشونت‌آمیز می‌انجامد. به گونه‌ای که این اختلافات، از دهه‌ی چهل به بعد، به کشته شدن ده‌ها نفر و مجروح شدن عده‌ای زیادی منجر شده است. تنها در میان سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲، بیش از ده نفر در این منطقه بر سر اختلافات ملکی کشته شده‌اند.

"این درگیری‌ها از سال چهل شروع شدند اکثراً هم سر ملکیت زمین‌های کشاورزی و چراگاه‌هایی بوده که خوانین به تیره و طایفه‌ی ما فروخته بودند، ماها اسناد و بنچاق‌هایی که مهر خوانین رو اونا هست رو داریم ولی اونا سندی ندارند و اومدند زمینای ما رو غصب کردند" (مرد، ۷۰ ساله).

در بیشتر اختلافات ملکی منطقه، اسناد مالکیت بصورت مشاع (اسناد قبل از اصلاحات ارضی) در دستگاه‌های قضایی ارائه گردیده، اما عدم آگاهی روستانشینان از وضعیت اراضی مشاع و نیز پیگیری جهت تفکیک در موعد بعدی موجب استمرار مشکلات،

تبعات و وضعیت مبهم در برخی املاک گردید که تاکنون نیز ادامه پیدا کرده است. بسیاری از اختلافات ملکی در عرصه‌های زراعی و مرتعی از همین جا نشأت گرفته است. در پرونده‌های مطروحه با موضوع اثبات مالکیت گاهاً سالیان دراز، دادرسی به طول می‌انجامد که در نتیجه ضمن آنکه طرفین دعوی هزینه‌های گزافی را جهت رسیدگی و دادرسی تقبل می‌نمایند، طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌های اختلاف ملکی منجر به نزاع‌های دسته‌جمعی می‌گردد که با کشت و کشتار و ضرب و شتم طرفین درگیر همراه است و این امر به دامنه‌دار شدن نزاع‌ها و انتقام‌گیری‌هایی منجر می‌شود که خود مسائل جدیدی را موجب می‌شوند.

"ملک چیزی نیست که آدم ازش براحتی بگذره و از قدیم در این رابطه ضرب‌المثلی می‌زدن و می‌گفتن گرز پدرت گرو هست. همین الان بارها شده که به ما طعنه زدن که شما اگه می‌تونستید ملک‌تون رو از طایفه ب می‌گرفتید ما هم ازش نمی‌گذریم اگه ده نفر دیگه هم کشته بشه از اون نمی‌گذریم، زمین‌مونه، ملک‌مونه، سندش رو داریم" (مرد ۵۵ ساله).

این یافته، یافته‌های نایبی و جسورخواجه (۱۳۸۸)، میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱)، شریعتی (۱۳۹۱)، عشایری (۱۳۹۱)، موتو (۱۹۹۵)، سازمان سنایی توسعه (۲۰۰۸) و عبدلا و الهادری (۲۰۱۱)، را تأیید می‌کند.

تعصبات طایفه‌ای

وجود باورهای قوم‌مداری و تعصبات طایفه‌ای و خشک طایفه‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل بروز نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشد که با وجود طوایف گوناگون در شهرستان ایذه همیشه با تنش‌های پنهانی همراه بوده است. در واقع وجود چند طایفه در شهرستان مورد مطالعه تضاد بالقوه‌ای را به وجود آورده است. به علت رخنه ایستارها و تهنشست‌های طایفه‌ای در بین افراد و اصالت یافتن فرد در بین طایفه و داشتن حمایت‌های بی‌دریغ اعضای طایفه همواره برای فرد منشاء دلگرمی و در برخی موارد غرور و تعصب کاذب بوده است. زعم «تونگ» (۲۰۰۷)، طوایفی که ناهمگون‌تر هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که خشونت بیشتری داشته باشند.

"مهم‌ترین عامل نزاع بین طوایف تعصبات بی‌جاست ... یه سنتی که تو شهر ما وجود داره اینه که هر کسی تعصب طایفه‌ی خودش رو داره و وقتی بین افراد به هر علتی درگیری و منازعه رخ بده بی‌آنکه به علت و انگیزه‌ی آن توجه داشته باشند وارد نزاع و

درگیری میشن ... اصلاً کاری به حق و باطل بودن ندارند آنچه برا اونا اهمیت داره پیروزی طایفه‌شان است حتی به قیمت مجروح کردن یا کشتن دیگران" (جوان ۲۹ ساله).

در واقع، از عوامل مهم در بروز برخورد و نزاع دسته‌جمعی، تنوع ریشه‌های طایفه‌ای و عصبیت کور نسبت به ریشه‌ی طایفه‌ای و عشیره‌ای است که در جوامع بسته نسبت به جوامع باز بروز و نمود بیشتری دارد. تعصبات قومی موجب توسعه‌ی گروه‌های بدوی می‌گردد و رقابت‌های خونین بر سر منافع مادی را دامن می‌زند و به کشمکش در جامعه و میان گروه‌های مختلف آن منجر می‌شود. در فضایی که تعصبات طایفه‌ای بر آن حاکم است جامعه دچار نوعی ناامنی و بی‌اعتمادی می‌شود و در چنین فضایی همکاری و تعاون میان اعضای جامعه رخت بر می‌بندد و زمینه را برای توسعه‌نیافتگی تسهیل کند. این یافته، یافته‌های نظری (۱۳۸۶)، رضایی و دیگران (۱۳۸۸)، عشایری (۱۳۹۱) و درویشی (۱۳۹۴)، در مورد نقش تعصبات طایفه‌ای در نزاع‌های جمعی را تأیید می‌کند.

همبستگی درون‌گروهی

همبستگی درون‌گروهی یکی از ویژگی‌های بنیادین زندگی ایلی است. همبستگی درون‌گروهی در برخی مواقع که فرد دچار مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی می‌شود، مشهود است؛ به این معنا، افراد زمانی که دچار سوانح غیر مترقبه و یا نیازمند همکاری در کارهای کشاورزی می‌شوند، طایفه به‌عنوان پشتوانه‌ای مالی و غیر مالی محسوب می‌شود که فرد را هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روانی حمایت می‌کند. از جمله این حمایت‌ها عبارتند از: حمایت‌های مالی در زمان عروسی و عزا به صورت پول نقد^۱، حمایت در زمان ورشکستگی یا زمانی که فرد به دلایلی نظیر پرداخت دیه (یا بعد از نزاع دسته‌جمعی که به قتل یکی از طرفین منجر می‌شود، فرد مجبور می‌شود، به طرف دیگر پول بپردازد) و یا در امور کشاورزی مانند درو که نیازمند کار دسته‌جمعی می‌باشد. در واقع از کارکردهای عمده‌ی چنین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی می‌توان به تعاون‌گرایی، تسهیل کنش جمعی، اعتماد درون‌گروهی، مشارکت و انسجام اجتماعی درون‌گروهی را نام برد.

"اینجا هر کسی به اسم طایفه‌اش شناخته می‌شه ... هر کسی از تیره و طایفه‌ی خودش حمایت می‌کنه ... تیره و طایفه‌اش هم همه جا پشتش هستن و تنه‌اش نمی‌ذارن ..."

^۱ در میان بختیاری‌ها دو نوع همیاری آشکار در مراسمات ازدواج و عزاداری وجود دارد یکی همیاری در ازدواج که به آن "اوزی" گفته می‌شود و دیگری همیاری در مراسم عزاداری که به آن "سرپاره" می‌گویند. در واقع این نوع همیاری‌ها، تقویت‌کننده‌ی همبستگی درون‌گروهی است.

همه‌ی اعضای طایفه در همه‌ی مواقع پشت هم‌اند چه در زمان شادی یا عزا و چه در مواقع بحرانی که طرف نیاز به حمایت مالی - جانی طایفه‌اش دارد ... " (مرد ۶۷ ساله).

در واقع، همبستگی درون‌گروهی عاملی است که ساخت و بافت شهرستان ایزه همچنان با آن زنده است. در مشارکت‌های که منشاء قبیله‌ای و طایفه‌ای دارند، مرز "خودی" و "بیگانه" بر اساس معیارهای خویشاوندی و طایفه‌ای تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، تعداد محدود خویشاوندان باعث می‌شود تا دوستان کمتری در شمار تعریف قرار گیرد به همین دلیل احساس ترس از بیگانه یا غیر خودی شدت می‌یابد و همین عامل به عنوان منبعی اساسی برای حمایت‌های نابجا در برابر دیگران محسوب می‌شود این یافته، یافته‌های حسین‌زاده (۱۳۹۰)، در مورد متغیر تعلق به جامعه قبیله‌ای و یافته‌های درویشی (۱۳۹۴)، در مورد ضعف سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی و نقش آن در نزاع‌های جمعی را تأیید می‌کند.

جمع‌گرایی عمودی

به اعتقاد تری یاندیس رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابد. فرهنگ شامل قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. یکی از شناخته شده‌ترین الگوهای فرهنگی، جمع‌گرایی و فردگرایی است (تری یاندیس، ۱۹۹۸: ۳۲۱). در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق دارند. در این جوامع تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شود و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد. جمع‌گرایی عمودی، سلسله مراتب در روابط را نشان می‌دهد. بر این اساس در جمع‌گرایی عمودی بر ضرورت وجود هرم ساخت یافته‌ی قدرت و تقدم جمع بر فرد تأکید می‌شود. بدین ترتیب که در چنین فرهنگ‌هایی، افراد بر اساس رتبه‌بندی و سلسله مراتب اجتماعی دقیق از هم تفکیک می‌شوند.

"... من به هیچ وجه نمی‌توانم بدون دستور بزرگان تیره و طایفه تصمیمی را بگیرم، باید در هر کاری از آنها نظرخواهی کنیم، اگر فرمان آنها را زیرپا بگذاریم به معنای بی‌احترامی به بزرگ‌ترها و قطع روابط با آنهاست. به همین دلیل یادم نمی‌آید در ایل ما کسی به خود اجازه‌ی شکستن این دستورات را بدهد، به هر حال احترام بزرگتر واجب دینی است" (مرد ۴۸ ساله).

در واقع پابندی به سلسله مراتب ایلی بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می‌شود و قدر مسلم برای به اثبات رساندن آن مشارکت و حمایت‌های مالی و جانی ضروری می‌باشد. افراد از طریق حس تعلق به جمع به مشارکت و حمایت از طایفه‌ی خویش، به نزاع جمعی روی می‌آورند و از این طریق نه تنها هویت خود را بازتولید می‌کنند، بلکه تأیید و پذیرش گروهی را بدست آورده و از سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی نیز برخوردار می‌شوند. پس عنصر درگیری، بیانگر مشارکت و اعتماد متقابل افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی "کارکردی"؛ نظیر امور عام‌المنفعه و غیر اجتماعی و غیر کارکردی؛ نظیر نزاع و ستیز است که افراد را در معرض انواعی از اعمال مرتبط با او و طایفه قرار می‌دهد. این یافته، یافته‌های نیازی و عشائری (۱۳۹۴)، نقش جمع‌گرایی عمودی در نزاع‌های جمعی را تأیید می‌کند.

پیوندهای خویشاوندی

در شهرستان ایذه، فرد در درون نهاد خانواده و خانواده در جمع بزرگ‌تری به نام تیره و طایفه، هویت می‌یابد. بنابراین ارزش‌ها و نظارت‌های جمعی تا حدود زیادی نقش کنترلی خیلی زیادی بر فرد دارند و افراد باید خود را با فرهنگ و ارزش‌های محلی خویش تطبیق دهند و نسبت به پاسداشت جامعه‌ی خویش از هیچ کاری فروگذار نباشند. یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی طایفه‌ای، اهمیت فراوان بستگی‌های خانوادگی یا خویشاوندی است. در این اجتماع، خانواده مخصوصاً خانواده‌ی گسترده احترام و اهمیت فراوان دارد و "گروه خویشاوندان" محور اجتماع است. در این رابطه، ابن‌خلدون در مورد اهمیت بستگی‌های خویشاوندی این‌گونه بیان می‌کند: عصبیت از راه پیوند نسبی و وابستگی خاندان‌ها به یکدیگر یا مفهومی مشابه آن حاصل می‌شود. زیرا پیوند خویشاوندی به جز در مواردی اندک در بشر طبیعی است؛ و از موارد آن نشان دادن غرور قومی نسبت به نزدیکان و خویشاوندان است، در مواقعی که ستمی بر آنان برسد یا در معرض خطر واقع شوند. زیرا هر عضو خاندانی وقتی ببیند به یکی از نزدیکان وی ستمی رسیده ... در خود یک زبونی و خواری احساس می‌کند و آن را به خود توهین می‌شمارد ... و این امر در بشر از هنگامی که آفریده شده است یک عاطفه‌ی طبیعی است (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

"ما ترجیح می‌دیم با فامیلای خودمون ازدواج کنیم، چون همدیگه رو خوب می‌شناسیم ... خوبی ازدواج فامیلی اینه که اگه گوشت همو بخوریم استخون همو نمی‌شکنیم" (مرد ۴۵ ساله).

از قدیم گفتن که "دودر تاته خوته بستون تا مرده شور و زنده شورت بو" (از قدیم گفته‌اند که دختر عمویت را به همسری بگیر تا هم زنده‌ات را بشوید و هم مرده‌ات را). آدم باید وا فامیل خوش وصلت کنه چونکه از یک گوشت و خون و همیشه هم به همدیگه وفادار واسن و در خونشون همیشه به روی بستگانشون بازه" (زن ۶۳ ساله).

در پژوهش حاضر، معمولاً خویشاوندان و افرادی که در این فضای اجتماعی بسته زندگی می‌کردند، با توجه به وجود تعلقات و تعصبات خویشاوندی، خود را در نزاع‌های دسته‌جمعی درگیر می‌نمودند. این افراد با انگیزه‌ی حمایت و پشتیبانی از خویشان و نزدیکان خود در نزاع‌ها شرکت می‌کردند. در واقع تمایل به اخذ حمایت‌های همه‌جانبه از تمامی افراد گروه موجب تقویت پیوندهای نیرومند و همچنین ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی می‌گردد که این امر زمینه را برای تأثیر مضاعف بافت و ساختار اجتماعی و فرهنگی در میان طوایف مزبور مهیا می‌سازد و در نتیجه موجب پایداری و تکرار الگوهای رفتار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌گردد. به دلیل وجود همین پیوندهاست که با وجود آنکه سالیان سال از مهاجرت این طوایف به شهرستان ایذه می‌گذرد اما باز همچنان درگیری‌ها و مسائل حاشیه‌ای درون این میدان و ساختار اجتماعی، نقش تعیین کننده‌ای بر رفتار آنان دارد و همچنان این الگوها دوام و قوام یافته‌اند. از این رو می‌توان گفت، در چنین اجتماع سنتی، ازدواج‌های درون‌گروهی موجب تقویت روابط درون‌گروهی و تضعیف روابط برون‌گروهی می‌شود که این امر به نوبه خود تسهیل‌کننده‌ی نزاع میان طوایف این شهرستان می‌باشد. این یافته، با یافته‌های خزاعی (۱۳۹۱)، در مورد وجود پیوندهای خویشاوند محور تنگ دامنه و بازتولید روابط اجتماعی منبعث از ازدواج‌های درون‌گروهی و نقش تعیین‌کننده‌ی آن در نزاع‌های دسته‌جمعی تأیید می‌شود.

عمومی شدن خشونت و نزاع^۱

در میان طوایف شهرستان ایذه نسبت به رفتارهای خشن، نگرش‌های مثبتی وجود دارد و کسانی را که بیشتر پرخاشگر و خشن هستند، تحسین می‌کنند. بلند پایه بودن با مرد بودن، خشن بودن، رقابت‌گر بودن و وفاداری به گروه مردان همبسته است و زمانی که

^۱ این مقوله با تأیید آمار نزاع‌ها و زندانیان پاره‌گروه‌های مطرود ذکر می‌شود.

جنگی در می‌گیرد، همه‌ی کسانی که می‌توانند به شرکت‌کنندگان در نزاع بپیوندند، این کار را می‌کنند.

اینجا وقتی دعوا می‌شه کسی بیکار نمی‌مونه، فقط کسانی که رابطه‌ی فامیلی با طرفین دعوا ندارن، تماشا می‌کنن، بقیه همه توی نزاع شرکت می‌کنن ... (زن، ۶۳ ساله). در این رابطه می‌توان به نقش زنان اشاره کرد به گونه‌ای که زنان این منطقه نیز در جنگ‌های طایفه‌ای حضور فعالی دارند. در واقع، نقش زنان در تحریک و تحریص به نزاع کمتر نبوده و اغلب با چنگ زدن به صورت، داد و فریاد و سنگ انداختن موجب تشدید برخوردها می‌گردند و از این جهت مردان نیز در مورد زنان از خود حساسیت نشان می‌دهند. بنابراین بخشی از این نزاع‌ها با این موضوع ارتباط دارد.

"وقتی جنگی راه می‌افتاد زن‌ها نقشی مهمی داشتند اونا با کل زدن^۱ روحیه‌ی مردها رو بالا می‌بردن و روحیه‌ی طرف مقابل رو تضعیف می‌کردن این باعث تحریک بیشتر مردها می‌شد تا به طرف‌های مقابل حمله کنند" (زن، ۴۵ ساله).

"زن‌ها توی درگیری‌های علاوه بر کل زدن و تحریک مردها به حمله به طرف‌های مقابل و فحاشی کردن، بصورت فیزیکی نیز درگیر می‌شدند؛ مثلاً سنگ پرتاب می‌کردن یا حتی چوب دست می‌گرفتن ... " (زن، ۵۷ ساله).

در رابطه با مقوله‌ی عمومی شدن خشونت و نزاع می‌توان چنین عنوان کرد که رواج بیش از حد خشونت و نزاع در جامعه، در طول زمان منجر به شکل‌گیری فرهنگی خاص می‌شود که خشونت و نزاع را به‌عنوان تنها راه‌حل تضادها و مشکلات در سطح روابط بین-گروهی می‌داند. رواج فرهنگ خشونت در جامعه به بازتولید آن در حد بالایی کمک می‌کند و این امر منجر به افزایش تضاد و تنش در روابط بین افراد می‌شود. تداوم تنش و تضاد در روابط بین گروهی باعث کاهش حس تفاهم و درک متقابل افراد می‌شود و این امر باعث می‌شود که افراد به محض مواجه شدن با کوچک‌ترین مشکلات در روابط خود با دیگران، به خشونت و پرخاشگری متوسل شوند. شکل‌گیری فرهنگ خشونت و نزاع بر اثر تکرار قتل‌ها و خشونت‌های مکرر، کم‌کم این نوع نگرش را در بین افراد جامعه رواج می‌دهد که ضرب و شتم و توسل به خشونت و نزاع دسته‌جمعی به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده است و برای رسیدن به اهداف بهترین راه‌حل ممکن است. این یافته، یافته‌های نظری (۱۳۸۶)،

^۱ کل زدن یا کل کشیدن در اصطلاح مردمان غرب و جنوب ایران یعنی هلله کردن زنان. صدایی که با حرکت تند زبان ایجاد می‌شود و همزمان فاصله‌ی میان دو انگشت شست و سبابه بین دهان و بینی قرار می‌گیرد.

در مورد حفظ آداب و سنن قبیله‌ای و عدم شناخت قوانین اسلامی و حسین‌زاده (۱۳۹۰)، در مورد متغیر احساس آنومی را تأیید می‌کند.

مسائل ناموسی

یکی از عواملی فرهنگی - اجتماعی دیگری که حریم خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد، فرهنگ "ناموس‌پرستی" می‌باشد، که مبتنی بر حمایت از خانواده است. تهدید حریم خانواده، به معنای تهدید طایفه می‌باشد. «عموماً زمانی که شخصی آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال ببرد، خشونت و ستیزه‌جویی شدت می‌یابد، و با نقض یا زیر پا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افترامیز از سوی یکی از طرفین، نزاع روی دهد» (بومیستر و همکاران، ۱۹۹۶).

یکی از خرده‌فرهنگ‌های مردم این مناطق پایبندی به حفظ حیثیت، آبرو، پاکی و نجابت زنان و دختران (ناموس‌پرستی) است. برای این مسأله دلایل بسیار زیادی وجود دارد که به‌طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احترام و قداست به نهاد خانواده و طایفه و قوم و قبیله، اعتقادات مذهبی، نظارت اجتماعی شدید جامعه، طرد افراد خاطی از جامعه، وجود انگ‌های اجتماعی شدید برای افراد خاطی و اعمال شدیدترین مجازات اجتماعی برای افراد خاطی.

"... در درگیری‌ای که بر سر دست‌درازی به یکی از زنان تیره‌مون صورت گرفت بچه‌هامون با سنگ زدند سر طرف رو شکستند به گونه‌ای که کسی فکر نمی‌کرد زنده بمونه ... بعد هم همه به خونشون حمله‌ور شدیم و تمام اموال و احشامشون رو غارت کردیم ... اونا هم فرار کردند و دیگه اونجا نموندن و برا همیشه از اونجا مهاجرت کردن و رفتند روستای دیگه‌ای ساکن شدند" (مرد ۷۸ ساله).

وجود ارتباط تنگاتنگ میان مسائل ناموسی و نزاع دسته‌جمعی حاکی از این است که وجود مسائل اخلاقی و ناموسی از اولویت‌های منطقه‌ی مورد مطالعه است به نحوی که بسیاری از نزاع‌ها و اختلافات ریشه در این امر دارد. وجود غیریت و تعصب نسبت به این مسائل که در بسیاری از موارد ریشه در باورها و ذهنیات نادرست دارد، در اغلب اوقات آتش کینه و عداوت را در این منطقه برانگیخته است. این یافته با یافته‌های میرفردی و صادقی‌نیا (۱۳۹۱)، عشایری (۱۳۹۱) و نیازی و عشایری (۱۳۹۴)، تأیید می‌شود.

نخبگان نزاع

این مقوله اشاره به افراد و خصوصاً بزرگان هر تیره و طایفه‌ای دارد که در آغاز و گسترش دامنه‌ی نزاع‌های دسته‌جمعی تیره‌ای و طایفه‌ای نقش بسزایی دارند. اینان با توجه به منزلت و تأثیری که بر روی سایر افراد خویشاوند دارند، در تحریک و بسیج افراد تیره و طایفه بر سر مسائل و اختلافات که اهم آن‌ها ریشه در گذشته دارد و در برخی موارد با مسائل و موضوعات حاشیه‌ای جدید سر باز می‌کنند، پیشگام می‌شوند و موجب برانگیختن تنش و درگیری‌های دسته‌جمعی می‌شوند. این دسته از نخبگان با بزرگ جلوه دادن موارد کوچک و جزئی در راستای تصفیه حساب کدورت‌های شخصی با افراد و یا بزرگان تیره و طوایف دیگر، از طریق تحریک سایر خویشاوندان خود به خواسته‌ها و اهداف خود نائل می‌گردند. در واقع، گروه خویشاوندان زیر سلطه‌ی پیران قرار دارند و به اصطلاح وابسته‌ی "پیرسالاری" است. اما سلطه‌ی اجتماع بر فرد همواره به طرز علنی و رسمی تحقق نمی‌پذیرد، بلکه چه بسا به صورتی غیر مستقیم و خودمانی اعمال می‌شود. از این رو در اجتماعات ساده که مرتبه‌ها کمتر از اجتماعات پیچیده نیازمند تسلط رسمی و تسلط مستقیم است، هر فرد در حین فرا گرفتن هنجارها و شناختن نهادها و با مراعات پرهیزها و محرمات و مناسک گروهی ناخواسته و نادانسته تن به سلطه‌ی پیران می‌دهد.

"بخش عمده‌ای از نزاع‌ها فقط بخاطر ناآگاهی و نادونی بزرگترهاست ... در گذشته بیشتر بزرگترها برا به کرسی نشوندن حرف خودشون، جوونا رو تحریک می‌کردن و باعث نزاع و درگیری میان طوایف می‌شدند، امروزه نیز وضع همین‌طوره، گاهی بر سر مسائل کوچیک، نزاع‌های طولانی رخ میده و در این وسط بجای اینکه بزرگترها، آتیشو بخوابون آتیش بیار معرکه میشن ... مثلاً همین نزاع ما با طایفه (؟) بخاطر این طولانی شده که بزرگترها طایفه (؟) اصلاً کوتاه بیا نیستند و مدام به این اختلاف دامن می‌زنن و با وجود اینکه چند سال از این اختلافات می‌گذره باز جووناشون رو علیه ما تحریک می‌کنن" (مرد ۵۳ ساله).

در نظام‌های پیرسالار یا پدرسالار، پیر در جمع‌ها و محافل حضور دارد و در همه حال عزت و احترام می‌بیند. کاری نیست که بی‌صلاح دید و مشورت آنان انجام شود. از نامگذاری کودکان و خواستگاری و شرکت در جشن‌های ازدواج گرفته تا تصمیم‌گیری در مورد نزاع با تیره و طوایف دیگر، می‌توان حضور او را دید. این یافته، با یافته‌های خزاعی (۱۳۹۱) و درویشی (۱۳۹۴)، در مورد نقش ریش‌سفیدها و بزرگان تیره در سوق دادن افراد به نزاع جمعی تأیید می‌شود.

بیکاری

بیکاری یکی از عوامل مهم بروز انواع انحرافات از جمله دزدی، انحرافات جنسی و نزاع‌های دسته‌جمعی است. بی‌گمان بیماری‌های روحی و جسمی، نزاع‌های دسته‌جمعی و خونریزی‌ها ریشه در بیکاری دارند. بیکاری جوانان، "مشارکت اجتماعی - تولیدی" آنان را کاهش داده است. چون افراد، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و آرزوهای خود را در فرایند تعلق به گروه و جامعه می‌یابند، بیکاری ویژگی همیارانه‌ی افراد و جوانان را کاهش داده است و احساس انزوای اجتماعی را در بین آنها افزایش داده و مانع آینده‌نگری، اعتماد، افزایش روحیه‌ی کارآفرینی و خلاقیت آنها شده است. از طرفی همین عامل منجر به "فشارهای ساختاری" فراوانی بر جامعه شده است. این فشار در اثر وجود فقر و بیکاری، فشارهایی را برای بروز انواع خاص کجروی از جمله نزاع و ستیزه را به وجود می‌آورند. فقدان سرگرمی و پناه بردن به بحث‌های طایفه‌ای در نشست و برخاست‌های دوستانه در بین جوانان، آتش کینه را برمی‌انگیزد و "تعاملات روزمره" و بحث‌های درون‌گروهی را به "تقابل‌های جمعی" و "تنش‌های طایفه‌ای" مبدل می‌نماید.

"بسیار از جوون‌ها بخاطر بیکاری معتاد شدند، و همین امر باعث بی‌عاری اونا شده دیگه هیچی برا اونا مهم نیست چون چیزی برا از دست دادن ندارند و براحتی و بدون فکر و صرفاً به خاطر تعصبات بی‌جا تو نزاع‌ها شرکت می‌کنن تا یه جورایی فشاری که روشن هست رو خالی کنن" (جوان ۲۷ ساله).

"بیکاری اصلی‌ترین علت مشارکت در درگیری‌هایم بود، اگر کار داشتم دیگه گرفتار بودم، تقریباً همه‌ی کسانی که توی نزاع شرکت می‌کنند از روی بیکاریه" (جوان ۲۵ ساله).
بیشترین درگیری‌های جمعی بین طوایفی رخ می‌دهد که بیشترین جوان بیکار را داشته‌اند. در واقع بین بیکاری و نزاع‌های دسته‌جمعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. الف) دزدی از طایفه‌ای دیگر؛ ب) نگاه‌های مغرضانه به نوامیس دیگران؛ ج) مزاحمت‌های ناشی از مست‌شدن بر اثر سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، مواردی هستند که منجر به بروز نزاع‌های دسته‌جمعی می‌شوند. این یافته، یافته‌های نظری (۱۳۸۶)، در مورد نقش عدم اشتغال جوانان در نزاع‌های جمعی را تأیید می‌کند.

رقابت نخبگان

انتخابات یکی از عرصه‌های اجتماعی است که موجب مشارکت افراد برای تصمیم‌گیری درباره‌ی آینده‌ی منطقه‌ی خود می‌شود اما با توجه به ساختار سنتی حاکم بر

منطقه، این عرصه، به طایفه‌گرایی در بین ساکنین منطقه منجر شده و همین امر زمینه‌ساز نزاع میان طوایفی می‌شود که به هر طریق ممکنی بدنبال پیروزی در انتخاباتند. در این رابطه، نظریه‌ی «بزارگرایی» نیز به گونه‌ای مجاب‌کننده، تبیین‌گر آن است که خشونت‌های قومی ریشه در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی دارند (تونگ، ۲۰۰۹: ۷۳). مع‌الوصف، یکی از عوامل شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در سطح شهرستان، انتخابات (انتخابات شوراهای شهر - روستا و بویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی) می‌باشد. الگوهای رأی‌دهی افراد به شدت تحت تأثیر بافت و ساخت قبیله‌ای قرار دارد و طایفه‌گرایی مهم‌ترین مکانیسمی است که افراد را به سمت صندوق‌های رأی می‌کشاند. در واقع، مردم این منطقه با وجود آنکه نمی‌توانند از سیاست‌های روز بهره‌گیری مناسبی داشته باشند، اما به هر شکلی که ممکن باشد خود را در دامان سیاست قرار می‌دهند. البته نه به خاطر آنکه در دامان سیاست قرار گیرند، بلکه بدان جهت که نماینده و فردی از طایفه‌ی آنها در انتخابات حضور دارد و آنها هم از طریق نماینده‌ی خود ابراز قدرت و هویت کنند و هم در مواقع ضروری از وی استعانت و یاری جویند و این موضوع یکی از ابعاد اختلاف قومی این مردم است.

"اینجا همه چیزش رابطه‌ایه. رقابت کاندیدا برای پیروزی در انتخابات رقابتی حیثیتی است ... و طایفه‌ای که در انتخابات پیروز بشه قدرت شهر رو در دست می‌گیره و نماینده‌ی شهر تمام هم طایفه‌ای‌های خودش رو سر کار میاره و پست‌ها بر حسب تعلق به طایفه‌ی نماینده تقسیم می‌شوند و همین امر باعث بوجود آمدن نوعی بدبینی و کدورت و کینه میشه و همین کینه‌ها منجر به نزاع می‌شوند" (مرد ۳۸ ساله).

با توجه به ساختار طایفه‌ای شهرستان ایزده و اختلافاتی که از قدیم میان این طوایف بر سر منابع کمیاب (زمین و مرتع) وجود داشته، مسئله‌ی انتخابات حساسیت‌های موجود در این منطقه را تشدید می‌کند. مطالعه‌ی انتخابات ادوار پیشین نیز حاکی از آن است که نامزدهایی که هم طایفه‌ی مردم این منطقه بوده‌اند از سایر نامزدها رأی بیشتری کسب نموده‌اند. در واقع طایفه‌گرایی در واگذاری پست‌های مدیریتی نقش پررنگی دارد و تقسیم‌بندی پست‌ها بر اساس طایفه‌گرایی صورت می‌گیرد. از این‌رو با افزایش تمایلات طایفه‌ای و خویشاوندی تمایل به درگیری‌های انتخاباتی نیز افزایش داشته است. یافته‌های حاصل از این تحقیق، یافته‌های نایبی و جسور خواجه (۱۳۸۸) و عشایری (۱۳۹۱) را تأیید می‌کند.

بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی

در برخی اوقات، نگرش‌های متفاوت نسبت به مراجع قضایی و انتظامی باعث شده که مردم اقدامات مثبت آن را در جهت برقراری و حفظ نظم در حاشیه بدانند، و این خود، زمینه‌ساز بروز یک بیماری فرهنگی همچون نزاع دسته‌جمعی در جامعه شود. به موقع حاضر نبودن نیروی انتظامی و طولانی بودن فرایند پاسخگویی قضائی به اختلافات، یکی دیگر از عواملی است که منجر به رواج حس انتقام‌گیری در بین مردم منطقه می‌شود. نهادها و مراجع قضائی تحت تأثیر سنت‌های قبیله‌ای در برخورد با مصائب رخ داده، در برخی از مواقع به اغماض، تساهل و مدارا روی می‌آورند، که این امر منجر به دیر باوری و تشکیک نسبت به کارایی آنها می‌شود. این امر به نوبه‌ی خود موجب شکل‌گیری احساس بی‌اعتمادی افراد به مراجع قانونی شده و آنان را به سوی کنش‌های نامطلوب نظیر نزاع جمعی سوق می‌دهد.

"یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد روی به نزاع جمعی بیارن اینه که معتقدند قانون و مجریان اون کارایی لازم برای حل اختلافات رو ندارند و نمی‌توانند مسائل موجود را حل و فصل کنند به همین خاطر خود افراد بصورت عملی وارد می‌شن تا با استفاده از زور مسئله رو حل کنند..." (مرد ۵۵ ساله).

"تأخیر در رسیدگی به نزاع‌ها و عدم برخورد قاطع با شرکت‌کنندگان در نزاع دسته‌جمعی عاملی است که باعث وقوع مکرر این‌گونه نزاع‌ها میشه، با مسببین نزاع قاطعانه برخورد نمی‌شه ... همیشه تو این قضایا پارتی‌بازی می‌شه..." (مرد ۶۳ ساله).

این یافته، بیان‌کننده‌ی این است که بی‌اعتمادی مردم منطقه نسبت به مراجع قضایی و انتظامی عامل اساسی است که آنان را به سوی نزاع جمعی سوق می‌دهد. این یافته، یافته‌های شریعتی (۱۳۹۱)، را در مورد تأثیر بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی در گرایش به نزاع دسته‌جمعی را تأیید می‌کند.

آگاهی از محرومیت

بعضی مواقع نزاع از آگاهی بر می‌خیزد و آن هنگامی است که گروه در محرومیت باشند و به این آگاهی برسند که تغییر دادن موقعیت‌شان ضروری به نظر می‌رسد و برای برون‌رفت از این وضعیت لازم است تغییراتی در موقعیت‌شان ایجاد بشود، پس آگاهی از محرومیت به ظهور و گسترش نزاع بین افراد کمک می‌کند (گور، ۱۹۷۰). در هر صورت اعضای گروه معتقدند که آنها قادرند موقعیت خود را بهبود ببخشند و این اعتقادات با

تحولات در جناح‌های رقیب و در روابطشان با یکدیگر تغییر می‌یابد. تقویت و انسجام بین اعضای گروه غالب برای ظهور و موفقیت رقبا برای سلطه ضروری می‌باشد (گولدستون، ۱۹۹۱). گروه‌های محروم از یک وضعیت در جامعه به دنبال تغییر هستند تا در تعقیب اهدافشان قادر به تحرک باشند (تیلی، ۱۹۷۸).

طایفه‌ی اونا هیچ جایگاهی در دینارون نداشت و به مرور زمان که جمعیتشون زیاد شد و چون ملکی هم در ایزه نداشتند بدون اینکه سند و بنچاقی داشته باشند الکی و با زورگویی وارد منطقه شدند و ادعای مالکیت کردند ... بارها هم از طرف کلانتران و کدخدایان وقت محکوم شدند ولی باز کوتاه بیا نیستند و این نزاع‌ها که مابین ما و اونا مکرر رخ داده و افراد زیادی مجروح و عده‌ای نیز کشته شدند، اما با این وجود اونا هنوز ادعای مالکیت دارند و هیچ سند و مدرکی هم ندارند (مرد ۵۳ ساله).

در واقع بر اساس تئوری محرومیت نسبی، نزاع دسته‌جمعی، هنگامی صورت می‌گیرد که افراد محروم به این نتیجه برسند که بنا به دلایل و عواملی از امکانات موجود و یا آنچه مورد انتظارشان است کمتر از آنچه حقشان می‌باشد، دریافت می‌کنند. از این‌رو برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و نزاع جمعی متوسل می‌شوند. نکته‌ی مهم در این نظریه این است که شرایط بد مادی یا محرومیت مطلق مستقیماً به اعتراض و شورش منتهی نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که ذکر شد، واکنش ذهنی یا روانی در قبال این شرایط است که عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند. یافته‌ی حاصل از این تحقیق، یافته‌های حسین‌زاده (۱۳۹۰)، در مورد احساس محرومیت نسبی و یافته‌های برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل (۲۰۰۸)، در مورد فرصت نابرابر و محدودیت در دسترسی به منابع موجود و یافته‌های امانوئل و ندیموا (۲۰۱۳)، در مورد کمبود زمین برای چراگاه و کشت را تأیید می‌کند.

تجربه عینی نزاع (مشاهده و مشارکت در نزاع)

تجربه‌ی عینی نزاع، بر گرایش به نزاع تأثیر مستقیمی دارد. به عبارتی، هر چه افراد مورد بررسی در خصوص مسئله‌ی نزاع دسته‌جمعی، تجربه‌ی بیشتری (مشاهده و مشارکت) داشته باشند، گرایش بیشتری بدان خواهند یافت. افراد به میزان آنکه در صحنه‌ی نزاع‌ها باشند و یا شاهد نزاع دیگران یا خانواده‌ی خود باشند، گرایش بیشتری به نزاع‌های دسته‌جمعی پیدا می‌کنند. در واقع می‌توان گفت، از آنجایی که نزاع، طی سالیان متمادی و از گذشته، به صورت هر از چند گاهی در میان طوایف مورد بررسی رواج داشته

است، به‌عنوان یک تجربه‌ی روزمره و عادی بدان نگریسته می‌شود. با توجه به اینکه نگارنده، از نزدیک شاهد برخی از نزاع‌های صورت گرفته در میان تیره‌ها و طوایف مورد مطالعه بوده، در مواردی مشاهده نموده که در حین نزاع مردان و زنان اعم از پیر و جوان و حتی کودکان و نوجوانان شاهد نزاع‌های خانواده و خویشاوندان خود هستند و همین امر آنان را تحریک کرده و وارد نزاع می‌شوند و در مواردی نیز اقدام به سنگ‌پرانی علیه افراد مقابل می‌کنند.

"از بچگی یادم میاد که همیشه شاهد نزاع‌ها بودم. همیشه این نزاع‌ها بخاطر ملک دینارون بوده ... افراد زیادی هم کشته شدند هم مجروح ... " (مرد ۵۳ ساله).

"جنگ و دعوا بین طوایف دینارون از گذشته تا الان وجود داشته ... این نزاع‌ها قبلاً هم بوده، همیشه سر مالکیت زمین‌ها و مراتع جنگ بوده، الان هم هست، طرفین درگیر همیشه برا دعوا آمادگی دارن چون تجربه بهشون ثابت کرده که هر آن ممکنه سر مسائل مختلف درگیری ایجاد بشه" (مرد ۵۷ ساله).

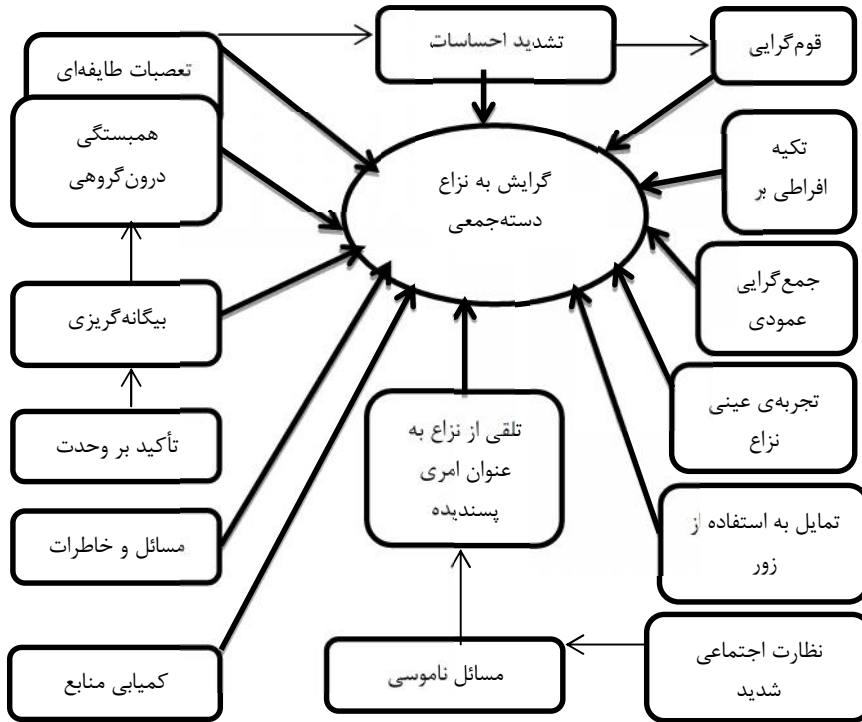
در واقع، هیجان، تنش و تجربه‌ای که از طریق نزاع‌ها در وجود افراد شاهد نزاع باقی می‌ماند براحتی می‌تواند در آینده در قالب نزاع‌های دیگری نمود پیدا کند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های نظری (۱۳۸۶) و خزاعی (۱۳۹۱)، تأیید می‌شود.

خاطرات و مسائل ناخوشایند گذشته

این مقوله اشاره به مسائل و اختلافات و اتفاقات تنش‌زای مشترک در روابط گذشته‌ی دور و نزدیک میان طرفین درگیر دارد که در نزاع‌های کنونی به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد در میان طوایف مورد بررسی نزاع از فراوانی بالایی برخوردار بوده است که منجر به پیروزی یا شکست یکی از طرفین منازعه و کینه‌توزی طرف مقابل گردیده است. در واقع می‌توان گفت که خاطرات و مسائل گذشته نقش بسیاری قوی بر وقوع نزاع میان طوایف مذکور دارد و این‌گونه خاطرات و مسائل ناخوشایند زمینه‌سازی وقوع نزاع‌های بعدی است.

"تا حالا بیش از سه - چهار نفری از خویشاوندان یا اعضای تیره‌مون رو بخاطر مسائل و کینه‌های گذشته که از ما داشتن، کشتنه ... یکی رو توی اهواز کشتن، یکی رو توی همین کوه‌های اطراف و ... همش هم سر مسائل و درگیری‌های گذشته هست ... " (مرد ۵۷ ساله).

معالوصف، مسائل و اتفاقات گذشته در برانگیختگی تنش و درگیری در میان گروه‌های مورد بررسی از جایگاه حائز اهمیتی برخوردار است. این یافته، با یافته‌های میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱)، عشایری (۱۳۹۱)، خزاعی (۱۳۹۱) و نیازی و عشایری (۱۳۹۴)، تأیید می‌شود.



مدل ۱: مدل مفهومی پژوهش

نتیجه‌گیری

نزاع‌های دسته‌جمعی از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. هدف اصلی این مقاله مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان ایذه بود. یافته‌ها نشان می‌دهند تعصبات طایفه‌ای،

همبستگی درون گروهی، ازدواج‌های خویشاوندی، جمع‌گرایی عمودی، مسائل و خاطرات ناخوشایند گذشته و مسائل ناموسی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه‌ی مورد مطالعه عنوان شده‌اند. ویژگی دیگر ساکنین منطقه‌ی مورد مطالعه، در رابطه با عوامل فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی، بیگانه‌گریزی است. بیگانه‌گریزی از جمله واکنش‌هایی است که گروه خودی یا به اصطلاح درون‌گروه در برابر گروه بیگانه یا برون‌گروه انجام می‌دهد و محرک آن ترس از تغییر است. نمونه‌ی این بیگانه‌گریزی و ترس از بیگانگان را می‌توان در ازدواج‌های درون‌گروهی میان طوایف ساکن این منطقه مشاهده کرد که تمایلی به برقراری رابطه با افراد برون‌گروه ندارند و این امر خود به خود موجب تحکیم روابط درون‌گروهی و تضعیف روابط برون‌گروهی می‌شود و همین امر به‌عنوان مکانیسمی در جهت تسهیل نزاع دسته‌جمعی عمل می‌کند. از سویی، عدم آشنایی مردم به قوانین اسلامی، در ارتکاب و ابراز خشونت مؤثر بوده است.

در رابطه با عوامل اجتماعی نیز می‌توان به بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، تزلزل در ساختار سنتی مدیریت، آگاهی از محرومیت، تجربه‌ی عینی نزاع، رقابت نخبگان، بیکاری، اختلافات ملکی و نقش نخبگان نزاع به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی در منطقه اشاره کرد. از نظر اجتماعی، ساکنان این منطقه در یک فضای بسته و در یک انزوای اجتماعی ویژه‌ای به سر می‌برند و از ارتباطات انسانی کمتری برخوردارند و به همین سبب عموماً از سخنان یکدیگر متأثر می‌شوند و تحت تأثیر افکار دیگران قرار می‌گیرند و این زمینه‌ی مساعدی را برای برخوردهای اجتماعی بوجود می‌آورد. در مجموع می‌توان گفت، افرادی که در کنش‌های خود خانواده‌گرا، گذشته‌گرا و نسبت به طایفه‌ی خویش احساس وابستگی نموده و نیز نسبت به طایفه‌ی خویش احساس مسئولیت می‌نمایند، گرایش بیشتری نسبت به نزاع دسته‌جمعی دارند. از طرف دیگر میدان یا عرصه‌ی کنش کنشگران نیز تأمل‌برانگیز است، میدانی که با ارائه‌ی ایستارها و ارزش‌های خاص گرایانه، به بازتولید فرهنگی می‌پردازند که همچنان در منش کنشگران، هویت‌گرایی و طایفه‌گرایی را استمرار می‌بخشد. به‌عبارتی دیگر، این زمینه موجب شکل‌گیری ساختمان ذهنی افراد گشته و از طرف مقابل خود نیز تحت تأثیر همین ساختمان‌های ذهنی شکل می‌یابد. این وضعیت پارادوکسیکال نیز از عوامل اصلی موجد و استمراربخش نزاع‌های جمعی در این منطقه می‌باشد.

پیشنهادهای پژوهش

متأسفانه، میزان نزاع و درگیری‌های دسته‌جمعی در منطقه سیر صعودی داشته و هر سال بر تعداد آن‌ها اضافه می‌گردد و بجز آثار تخریبی - جانی نتایج ناگوار اقتصادی و اجتماعی آن نیز تشدید می‌گردد. از مطالعه‌ی طبقات اجتماعی چنین برمی‌آید که اکثر این مسائل در میان خانواده‌هایی که از درآمد کمتری برخوردار بوده و از فرهنگ سنتی پیروی می‌نمایند، اتفاق می‌افتد. بی‌سواد، طایفه‌مداری، سنت‌پرستی، خویشاوندگرایی، تعصبات طایفه‌ای، عدم آشنایی به قوانین اسلامی، اختلافات ملکی، فقر و بیکاری، غرور قومی، کینه‌ورزی، تحریک‌های سیاسی (تجلی نمودن آرمان‌ها در انتخابات) همگی مسائلی هستند که در بوجود آوردن این مشکل اجتماعی مؤثر بوده‌اند. جهت تعدیل این رفتارهای سرسختانه و همچنین رهیابی به زمینه‌های متعادل‌سازی این رفتارها، به پیشنهادهایی چند اشاره می‌شود:

- تقویت وسایل ارتباط‌جمعی، که بتواند با بالا بردن سطح فرهنگی مردم به صورت بنیادی در آنان نفوذ کند به گونه‌ای که موجب تغییرات اساسی در رفتار و کردار آنان را موجب شود.

- برگزاری جلسات آگاه‌سازی از طرف نیروی انتظامی با همکاری فرمانداری و دیگر ارگان‌های دولتی.

- نشست و برخاست با بزرگان و نخبگان بخصوص به اشخاصی که در ایجاد درگیری و مدیریت آن نقش فعالی دارند. علت اینکه در درجه‌ی نخست، باید داوران از میان گروه‌های درگیر انتخاب شوند این است که نزدیکان دو گروه درگیر از رویدادهای جاری میان گروه‌های درگیر آگاه‌ترند و نیز علاقه‌ی آن‌ها به اصلاح به واسطه‌ی خویشاوندی از بیگانه بیشتر است.

- رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌های نزاع‌های دسته‌جمعی و استفاده از عوامل بازدارنده‌ی قوی از قبیل اعمال مجازات‌های مؤثر و تسریع و قاطعیت در اجرای آن‌ها، که این امر تقویت و سرعت عمل هر چه بیشتر مقامات قضایی با نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های مسئول را ایجاد می‌کند.

- حضور به موقع و سریع نیروی انتظامی در صحنه و استفاده از نیروهای متخصص و آموزش دیده و با تجربه دارای نگرش جامعه‌محور در مواجهه با نزاع‌های دسته‌جمعی به منظور کنترل سریع‌تر و بهتر نزاع‌ها.

فهرست منابع:

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۰). مقدمه‌ی ابن‌خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، تهران: نشر الکترونیک، جلد اول.
- ایمانی جاجرمی، حسین و کریمی، علیرضا (۱۳۸۸). "چالش‌های اجتماعی شوراها‌ی روستایی در مدیریت محلی"، مجله‌ی توسعه‌ی روستایی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، پاییز و زمستان.
- تری‌یاندیس، هری. س. (۱۳۸۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه‌ی نصرت فتی. تهران: جامعه‌شناسان، چاپ سوم.
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۷۸). "تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران"، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۱۸ و ۱۹.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ نواح، عبدالرضا و عنبری، علی (۱۳۹۰). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهر اهواز)"، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره‌ی دوم.
- خزایی، رحیم (۱۳۹۱). مطالعه‌ی نزاع‌های دسته‌جمعی خویشاوندمحور (مورد مطالعه: محله‌ی ۱۲، منطقه‌ی ۲۱ تهران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی توسعه‌ی روستایی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی دوم.
- صالحی، رضا (۱۳۸۶). "شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی"، تهران، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه‌ی شماره‌ی ۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم.
- درویشی، زهرا (۱۳۹۴). مطالعه‌ی ریشه‌ها و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه: جامعه‌ی روستایی امام‌زاده عبدالله علیه‌السلام از توابع شهرستان شهرستان هندیجان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد توسعه‌ی روستایی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۰). بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

عشایری، طاها (۱۳۹۱). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع (درگیری‌های دسته‌جمعی روستایی) (مطالعه‌ی موردی: روستای پریخان از توابع شهرستان مشگین‌شهر، استان اردبیل)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد توسعه‌ی روستایی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

قربانی، اسماعیل و فیض‌آبادی، حسین (۱۳۹۳). "واکوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی"، فصلنامه‌ی دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره‌ی سوم.

محمدپور، احمد «الف» (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

محمدپور، احمد «ب» (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

محمدپور، احمد و بهمنی، مریم (۱۳۸۹). "زنان، پاساژ و مصرف نشانه‌ها"، فصلنامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۷.

میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه (۱۳۹۱). "گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی دوم.

نایبی، هوشنگ و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). "ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستای کوچ و افشرد از توابع خواجه در استان آذربایجان شرقی)"، مجله‌ی توسعه‌ی روستایی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱.

نظری، جواد (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی در استان ایلام، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

نیازی، محسن و عشایری، طاها (۱۳۹۴). نزاع دسته‌جمعی در جامعه‌ی عشایری ایران، تهران: سخنوران، چاپ اول.

Abdalla, Y. & Elhadary, E. (2011). Pastoral Land Rights and Protracted conflict in Eastern Sudan. University of Khartoum, Faculty of Geography, Post-doctoral USM-Malaysia Universiti sains Malaysia, 11800-Penang.

Ayorinde, Abegunde A. (2011). "Land conflict As an Impediment to community development in southwestern Nigeria", Interdisciplinary journal of contemporary research in business, 3(4).

Ayres, Robert L. (1998). *Crime and Violence as Development Issues in Latin America and the Caribbean*, Washington D.C: World Bank.

Baumeister, R. F., Smart, L. & Boden, J.M. (1996). "Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem", *Psychol Rev.* 103: 5-33.

Emanuel, M. & Ndimbwa, T. (2013). "Traditional Mechanisms of Resolving Conflicts over Land Resource: A Case of Gorowa Community in Northern Tanzania", *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences* November, 3(11).

Gurr, T. R. (1970). *Why Men Rebel*, Princeton, NJ.

Goldstone, J.A. (1991). *Revolution and Rebellion in the Early Modern World*, Berkeley.

Mkutu, K. (1998). *Pastoralism and conflict in the horn of Africa*, university of Bradford.

Sanayee Development Organisation (2008). *Linking formal and informal conflict resolution mechanisms in Afghanistan, A survey of the people's perspective*. Report author: René El Saman LL.M., German Development Service (DED) Funded by: friedrich-Ebert-Stiftung.

Side, K. (2014). "Canada, Re-assessing rural conflict: Rituals, symbols and Commemorations in the Moyle District, Northern Ireland", *Journal of Rural and community development*, Memorial University, 9(4), 102-127.

Tong, R. (2009). "Explaining Ethnic Peace: The Importance of Institution, *Res Publica*", *Journal of Undergraduate Research*: Vol.14, p. 73.

UND P. (2010). *Environmental scarcity and conflict with funding and support from the European Union note for. PR.*